

المعجم الوسيط

دکتر عبدالعزیز مطر
ترجمه: حسین علی‌نقیان*

مقدمه

این مقاله، معجمی - مجمعی است. قصد داشتم زمانی که مجمع (فرهنگستان) زبان عربی قاهره، چاپ اول معجم را در سال ۱۹۶۰ ارائه داد، منتشر کنم و این فکر تا چاپ دوم آن در سال ۱۹۷۲ ادامه داشت و در نهایت پس از چاپ سوم در سال ۱۹۸۵، با این سؤالات مجال عرضه یافت:

- فرهنگ المعجم الوسيط پس از ربع قرن تلاش و برنامه‌ریزی علمی، در نیمه دوم سده بیستم میلادی توسط گروهی زبان‌شناس و آکادمیک سنتی و نوگرا انتشار یافت. آیا این معجم در میان معجم‌های جدید و قدیم عربی جایی خالی برای استقرار خود یافته بود؟

- جایگاه این معجم میان معجم‌های قدیم سنت‌گرا، همچون صحاح، لسان العرب، القاموس المحيط، اساس البلاغه و مختار الصحاح، و یا میان معاجم جدید سنتی و نوگرا، همچون محیط المحيط، قطر المحيط، اقرب الموارد، البستان، فاکهة البستان، المنجد، منجد الآداب و العلوم چیست؟

- آیا این معجم از آن جهت که به دست گروهی علمی، پیشرفته و زبان‌شناس تهیه شده، در جایگاهی ممتاز قرار گرفته است؟

در مقدمه معجم، از زبان دکتر ابراهیم مدکور آمده است: این معجم به شیوه‌ای محکم به گذشته پیوند خورده است و زمان



چکیده

فرهنگ سنتی - مدرن المعجم الوسيط در سال ۱۹۶۰ م توسط فرهنگستان زبان عربی قاهره با مشارکت انجمنی تخصصی و به شیوه ریشه‌ای/ جذری در قالب دو مجلد انتشار یافت. مؤلف در این مقاله می‌کوشد این فرهنگ نام‌آشنا و دم‌دستی دانشیان، استادان و دانشجویان را معرفی و نقد کند و جایگاه فنی آن را در قیاس با دیگر فرهنگ‌های مشابه قبل و بعد آن گزارش کرده و سرانجام، میزان تفوق و مقبولیت آن را نسبت به این دست معاجم به دست دهد.

واژه‌های کلیدی: المعجم الوسيط، فرهنگ سنتی - مدرن، سنت‌گرایی، نوگرایی.

حاضر را با صادق‌ترین تعبیر بیان می‌کند.

این عبارت، دو سؤال را در پی دارد: معجم تا چه اندازه با معجم‌های قدیمی پیوند دارد؟ به عبارتی، تا چه حدی سنتی (محافظة کار) به شمار می‌آید؟ دیگر آنکه تا چه حدی بیانگر حال است؟ یعنی تا چه اندازه معجمی نوگراست؟

پس از چاپ اول کتاب معجم، المرجع (بیروت، ۱۹۶۱) از شیخ عبدالله علایلی و الرائد (بیروت، ۱۹۶۵) از جبران مسعود، و لاروس - المعجم العربی الحدیث (پاریس، ۱۹۷۸) از دکتر خلیل جر منتشر شد. پس از انتشار چاپ دوم المعجم الوسیط، فرهنگ القاموس الجدید (تونس، ۱۹۷۹) توسط علی بن هادی و جیلانی بن حاج یحیی و بوالحسن بلیش انتشار یافت. در آغاز مقاله‌ام سؤالات دیگری رخ نمود:

میزان نوآوری در معجم‌های پس از الوسیط چه بوده است؟ آیا نوآوری‌های این معجم‌ها از لحاظ واژه و ترتیب، تحولی به وجود آورده است، به گونه‌ای که آنها را نسبت به الوسیط پیشرفته‌تر قلمداد کنیم؟ اختلاف این معجم با الوسیط و مصوبات فرهنگستان زبان عربی به چه میزان بوده است؟...

المعجم الوسیط سنتی یا مدرن؟

المعجم الوسیط فرهنگی لغوی و معاصر است که توسط کمیته‌ای از اعضای فرهنگستان زبان عربی قاهره و کارشناسان معجم‌نگاری نگارش و انتشار یافته است. این کمیته بر اساس مقررات و شیوه‌های مصوب فرهنگستان زبان عربی، چاپ اول این کتاب را با نظارت خود ارائه داد. سپس گروهی دیگر اقدام به چاپ دوم آن نمود و بازنگری چاپ دوم نیز توسط گروه اول و چاپ سوم هم توسط گروه سوم به سامان رسید.

اهداف فرهنگستان از انتشار این معجم

الف. پاسخگویی به نیاز فرهیختگان به معانی واژگان و اصطلاحات شایع.

ب. پاسخ به نیاز پژوهشیان و دانشوران در فهم متون نثری و شعرای قدیم (مقدمه چاپ دوم الوسیط، ص ۷).

این معجم در قالب دو جلد بزرگ منتشر شد. تعداد صفحات آن در چاپ دوم ۱۱۱۱ صفحه و هر صفحه شامل سه ستون است. تعداد واژگان حدود ۳۰۰۰۰ واژه و تعداد تصاویر آن ۶۰۰ عدد است.

وجه تسمیه المعجم الوسیط

دلیلی نمی‌بینم که درباره واژه الوسیط در معجم جست‌وجو کنم و فی‌المثل همچون صاحب الصحاح بگویم: «فلان وسیط فی قومه، إذا کان أوسطهم و أرفعهم محلاً» (الصحاح ماده: وسط)؛ بلکه منظور از وسیط این است که این معجم، متوسط است؛ زیرا از لحاظ حجمی، میان معجمی بزرگ و معجمی مختصر، که اولی قبل و دومی بعد از الوسیط توسط فرهنگستان منتشر شده است، قرار دارد. تأیید این مطلب را دکتر ابراهیم مدکور در مقدمه چاپ

اول به دست داده است (الوسیط، ط ۱، ۱۹۱/۳).

حدود سنت‌گرایی و خصوصیات نوگرایی

یک معجم‌نگار سنتی به این مبانی پایبند است:

۱. محافظت از میراث واژگانی و اصیل، که از قبایل مشخص عربی^۲ شنیده شده و یا لغت‌شناسان قدیم آنها را براساس شنیده‌ها به دست آورده‌اند.

۲. تعیین افرادی که سخنشان مورد استناد قرار می‌گیرد؛ اینان کسانی هستند که در شهرها تا پایان قرن دوم هجری، و در بادیه‌ها تا نیمه قرن چهارم زندگی کرده‌اند و لذا معجم‌نگار سنتی، از شعر شعرای متأخر، همچون بشار، متنبی، ابوتمام، ابونواس و ابوالعلاء را استشهداد و استناد نمی‌کند.

۳. کنار گذاشتن کلام مولدون و کلام افرادی که پس از دوره احتجاج زندگی می‌کرده‌اند؛ خواه کلام آنها بر اساس اصول زبان عرب بوده باشد و یا نباشد؛ زیرا کلام آنها یا مخالف قیاس کلام عرب بوده و یا لحن (کزواژه) به شمار می‌رود، که دوری جستن از آن ضروری است.

۴. عدم پذیرش واژه‌های معرب (عربی‌شده) از کلام غیر عربی که در عصر احتجاج وارد زبان عربی نشده‌اند؛ عدم پذیرش واژه‌های دخیلی که زندگانی جدید، اقتضای وام‌گیری آنها از زبان‌های خارجی را داشته است، و عدم پذیرش واژه‌های جدیدی که نویسندگان به کار برده‌اند و در جوامع عربی شایع گشته است. ۵. پای‌بندی به آرایش سنتی یا همان ترتیب ریشه‌ای، و محافظت از شیوه قاموس‌های قدیمی در شرح واژگان، و التزام به میراث واژگانی، اعم از لغات غریب، نادر، خشن، مترادف و متضاد. دکتر ابراهیم انیس، سنتیان محافظه‌کار را خشک و متعصب خوانده است: «گروهی از متعصبین هستند که معتقدند در برابر متون اجداد عربشان باید توقف کرده، از حدود آنها تجاوز ننمایند» (ر.ک: من اسرار اللغة، ص ۲۷).

دکتر شوقی ضیف، نویسندگان سنتی فرهنگ‌های جدید نگارش یافته قبل از الوسیط را این گونه به باد انتقاد می‌گیرد: «معجم‌های جدیدی در لبنان و جاهای دیگر نگارش یافته‌اند؛ اما اینها دیواری از مکان و زمان به دور خود کشیده‌اند و از واژگان احصاشده قبل تجاوز نمی‌کنند. دیوار مکان، محدوده شبه‌جزیره عربستان و کمی بیشتر را در بر دارد و دیوار زمان برای اعراب شهری، مثل بصریان و کوفیان، تا سده دوم هجری و برای اعراب بادیه تا سده چهارم فراتر نمی‌رود» (ر.ک: مجمع اللغة العربیة فی خمسين عاماً، ص ۱۶۰). این سخن با گفته کمیته المعجم الوسیط در مقدمه چاپ اول مطابقت دارد (المعجم الوسیط: ۱۲. ش).

خصوصیات نوگرایی

ویژگی‌های فرهنگ‌نگاری نوگرا، که به وسیله آن، نوگرایی در المعجم الوسیط را سنجیده‌ایم، بدین قرار است:

۱. بازنگری و نوآوری در واژگان

الف. پذیرش واژه‌ها و گونه‌هایی که در نتیجه تلاش

المعجم الوسيط

ج. اختصارگویی و پرهیز از تکرار و شاخه به شاخه شدن.
ز. اعراب‌گذاری درست برای کلماتی که نیاز به اعراب دارد.
س. پایبندی به ارجاع خواننده از یک واژه به واژه جست‌وجوشونده.
و. رعایت شیوه واحد در رسم‌الخط و علائم اختصاری.
هـ. تعیین نوع واژه از لحاظ جامد یا مشتق، مفرد یا جمع، مذکر یا مؤنث.

ی. ارائه عکس‌ها و تصاویر توضیحی برای واژه‌های مربوط به گیاهان و حیوانات غیرمشهور و وسایل و ادوات تمدن جدید.

۳. نوآوری در ترتیب

الف. ترتیب مدخل‌های معجم و مواد و کلمات آن به شیوه‌ای دقیق و با هدف آسان‌یابی واژه‌ها و تسریع در رسیدن به واژه مورد نظر.
ب. پایبندی به شیوه‌ای واحد در ترتیب و چینش داخلی مدخل‌ها؛ مانند آوردن فعل‌ها قبل از اسم‌ها، مجرّد قبل از مزید، لازم قبل از متعدی، ثلاثی قبل از رباعی، معنای حسی قبل از عقلی و حقیقی قبل از مجازی.^۳

به زودی در این مقاله رویکردی جدید در پاره‌ای از معجم‌های معاصر عربی، یعنی ترتیب بر اساس تمام حروف کلمه - اصلی و مزید - بدون توجه به حروف اصلی، مورد مناقشه قرار می‌گیرد.

۴. نوآوری در صفحه‌آرایی و چاپ

منظورمان شکل صفحات و ستون‌های مربوطه، کلمات راهنمای بالای صفحات که بیانگر کلمات آغازین و پایانی هر صفحه‌اند، پراکنش‌گذاری، درج ستاره، تاپ مدخل‌ها به صورت مشکی پررنگ (بولد)، ترسیم تصاویر حتی‌الامکان به صورت رنگی و چاپ فنی و کیفیت کاغذ، تصحیح دقیق معجم توسط دانشمندان متخصص و جلوگیری از وقوع خطاهای چاپی است.

معجم‌های جدید عربی، قبل از المعجم الوسيط

روش و موضوع این مقاله اقتضا می‌کند که نگاهی به مهم‌ترین معجم‌های عربی انتشاریافته در قرن نوزدهم و بیستم، قبل از المعجم الوسيط، بیندازیم؛ یعنی از سال ۱۸۶۹م، که جلد دوم محیط المحيط و قطر المحيط توسط معلم بطرس بستانی

زبان‌شناسان جدید به دست آمده‌اند؛ همچنین مقایسه واژه‌های ناشنیده از عرب با واژه‌های شنیده‌شده و پذیرش واژه‌های مصوّب و اصول زبان‌شناختی فرهنگستان‌های زبان.

ب. عدم رعایت قید مکان و زمان درباره اشخاصی که از لغت به آنها استشهاد می‌شود. همچنین استشهاد به شعر شعری جدید، چه شاعرانی که پس از عصر قدیم احتجاج زندگی کرده‌اند و چه شاعران معاصر.

ج. پذیرش واژه‌هایی تازه که عرب‌ها پس از دوره احتجاج آن را به کار می‌برده‌اند؛ و فرقی ندارد که تازگی این واژه‌ها از جنبه لفظی باشد یا معنایی.

د. پذیرش واژه‌هایی که معاصرین (با الگو گرفتن از اعراب عصر احتجاج) از کلام غیرعرب، عربی‌سازی کرده‌اند.
هـ. پذیرش واژه‌ها و اصطلاحاتی که بر زبان نویسندگان و شاعران معاصر جاری بوده و همواره دلیلی زبان‌شناختی بر صحت آنها توسط انجمنی زبانی ارائه شده باشد.

و. پذیرش اصطلاحات علمی و فنی و واژه‌های معاصر که اقتضا می‌کند زبان عربی دربردارنده تمامی آنها در شاخه‌های گونه‌گون علوم و فنون بوده و در راه پیشرفت و ترقی آنها، مؤثر و متناسب با نیازهای زندگی در برهه کنونی باشد.

دکتر ابراهیم مدکور در این مقوله می‌گوید: «لغت، گذشته و حاضر دارد؛ گذشته‌ای میراثی و حاضری پویا و گویا، و بایسته است که در نگارش معجم جدید زبان عربی بدان توجه داشت و در نظم و نثر و در هر زمانی که به وجود آمده بدان استناد جست و لغات تازه تولدیافته‌ای را که زاینده ضروریات حیات علمی و تمدن پیشرفته است، ثبت نمود» (همان: ۱۰). نیز ر. ک: مقدمه المعجم الكبير، ج ۱، و).

۲. نوآوری در نگارش الوسيط

الف. شرح معانی واژگان به شیوه ساده، به طوری که نیاز خواننده را در فهم الفاظ، اصطلاحات و عبارات برطرف می‌سازد.
ب. تعریف علمی واژه‌ها و عباراتی که بایسته شرح هستند.

المعجم الوسيط

المعجم الوسيط

انتشار یافت، تا سال ۱۹۵۸م، دو سال قبل از انتشار *الوسيط*، که معجم *متن اللغة*، اثر شیخ احمد رضا مجال چاپ یافت.

۱. **محیط المحيط:** معجمی که شیوه کلاسیک و نوگرایی را جمع کرده و در آوردن مدخل‌ها، بر کتاب *القاموس المحيط*، اثر فیروزآبادی (ف. ۸۱۷ ه. ق) تکیه کرده است. دکتر احمد مختار عمر این معجم را جزء معجمی یاد کرده است که ترتیب معجم قدیمی را بازگردانیده‌اند (*البحث اللغوی عند العرب: ۲۱۸*). نوآوری *محیط المحيط*، در ترتیب آن بر اساس آغاز کلمات، پس از پاکسازی از حروف زاید، ترتیب داخلی مدخل‌ها، آوردن اصطلاحات علوم و فنون و لغات نثر جدید و کلمات عامیانه است (دکتر حسین نصار: *المعجم العربی ۷۱۱/۲ - ۷۱۲*). نوآوری در چاپ آن نیز بدین قرار است که هر صفحه به دو ستون تقسیم‌بندی شده و در بالای هر ستون، دو کلمه، یکی در سمت راست صفحه و دیگری در سمت چپ نوشته شده است که اولی اشاره به کلمه آخر در ستون راست و دومی به کلمه آخر در ستون چپ اشاره دارد (همان).

این فرهنگ را ابراهیم یازجی در کتاب *تنبیهاات الیازجی علی محیط البستانی*، و نیز پدر انستاس ماری کرملی، در *المعجم المساعد، نقد و بررسی کرده‌اند*.^۴

۲. **قطر المحيط:** فشرده *محیط المحيط* و به صورت یک‌جلدی است که توسط بطرس بستانی نوشته شده است. این فرهنگ در شیوه اختلافی با *محیط المحيط* ندارد و پایان تألیف آن به سال ۱۸۶۹م بوده است. حذفیات مواد *محیط المحيط* در *قطر المحيط* شامل حذف برخی از صیغه‌ها، صفات، اصطلاحات، شواهد، معرب‌ها و اصول آن است و پاره‌ای از الفاظ درونی مدخل‌ها را نیز تغییر داده است.

۳. **تکملة المعاجم العربیة:** از رینه‌هارت دوزی (ف. ۱۸۸۳ ه. ق) به عربی و فرانسه.^۵ مؤلف در این قاموس بر مدخل‌هایی تکیه کرده که در معجم عربی کمتر تکرار شده است. وی لغات را از لغت‌نامه‌ها، تألیفات جهانگردی و پاره‌ای از معجم مغربی

و اندلسی جمع‌آوری کرده است. این فرهنگ از جهت هدف و محتوا، با دو معجم یادشده از بستانی تفاوت دارد.

۴. **اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد:** اثر سعید خوری شرتونی. این معجم در قالب دو جلد در سال ۱۸۸۹ و جلد سوم آن در سال ۱۸۹۴م انتشار یافت و همانند دو معجم یادشده از بطرس بستانی، جهت دانشجویان تألیف شده است. تکیه مؤلف در آن، به مانند دو معجم بستانی، بر *القاموس المحيط* بوده است؛ اما اضافاتی برگرفته از *تاج العروس* زبیدی و معجم *ژولیوس* (چاپ ۱۶۵۳ م لیدن) و *فرهنگ فرایتاگ* (چاپ ۱۸۳۰، ۱۸۳۷ آلمان) دارد. از این روی، از طریق دو فرهنگ *ژولیوس* و *فرایتاگ*، واژگان مولد و عامیانه، به مانند *محیط المحيط* در *اقرب الموارد* راه یافته است. *اقرب الموارد*، هم نوآور و هم محافظه‌کار است. از نوآوری‌های آن، تنظیم و تبویب علمی، آوردن واژه‌های جدید و متداول در زمان تألیف و قبل از آن، و ترتیب کلمات درونی مدخل‌ها بر اساس ترتیبی مشخص است؛ مانند تقدیم افعال بر اسماء و تقدیم ماضی مجرد ثلاثی بر رباعی. دیگر، قرار دادن خط افقی به جای تکرار لفظ و به‌کارگیری علامی برای نشان دادن باب افعال است.

از محافظه‌کاری‌های این قاموس، تکیه بر لغات *القاموس المحيط*، پایبندی به عبارات قدما و عدول نکردن از کلام نخبگان - چنانچه خود گفته است - و ضبط کلمات با متن و نه با قلم می‌باشد؛ گرچه مؤلف، نام مکان‌ها، اشخاص و داروها را از *المحیط* حذف کرده است.

۵. **معجم الطالب فی المأنوس من متن اللغة العربیة و الإصطلاحات العلمیة و العصریة:** اثر جرجس همام شویری، انتشار یافته به سال ۱۹۰۷م. چنان که از نام این معجم پیداست، ویژه دانشجویان تألیف یافته و همان گونه که در مقدمه‌اش آمده است، خلاصه‌ای است از لغات *محیط المحيط*، به همراه لغاتی مأخوذ از *صحاح جوهری* و *تاج العروس* زبیدی.

۶. **المنجد:** اثر پدر لوئیس معلوف (ف. ۱۹۴۶م). چاپ اول

المعجم الوسيط

جلد در سال ۱۹۳۰ م و به همان شیوه و ترتیب البستان، با حذفیاتی در معانی و تعابیر و صیغه‌ها به چاپ رسیده است.

۱۰. **معجم متن اللغة:** اثر شیخ احمد رضا، در سال ۱۹۵۸ م توسط مکتبه الحیاة بیروت در قالب ۵ جلد بزرگ به چاپ رسید. این معجم به شیوه معاجم قبلی، هم نوآوری دارد و هم سنت‌گرایی ...

تمامی معجم‌های یادشده، در پاره‌ای از پدیده‌های معجمی با هم اشتراک دارند، که مهم‌ترین آنها تکیه بر القاموس المحيط و خلاصه‌نویسی آن، تنظیم و ترتیب زیبا، توجه به اصطلاحات، حذف الفاظ مستهجن و جنسی، اضافه کردن واژگان نوظهور (= مولد) و عامیانه و اصطلاحات مسیحی است. همچنین مخاطب آنها دانشجویان و افراد همسطح آنها بوده‌اند....

نشانه‌ها و نمونه‌های نوگرایی در المعجم الوسيط

۱. **المعجم بر اساس مصوِّبات مجمع زبان عربی،** باب تولید واژگان برای نوگرایان را با استفاده از روش‌های شایع - اشتقاق، تجویز و بدیهه نگاری - گشود (الوسيط، مقدمه چاپ اول، ص ۱۲).

بازتاب این مصوِّبات را در موارد ذیل می‌توان یافت:

الف. اصطلاحات علمی و فنی وضع شده توسط کارگروه‌های علمی و نشست‌ها و کنفرانس‌های مجمع. نمونه‌ها را بنگرید:

* اصطلاح «اثير» در علم فیزیک و «اثير» در شیمی و «ايتارية» در حوزه اخلاقیون و روان‌شناسان و «تأثيره» به معنای امپرسیونیسم در حوزه نقد ادبی.

* «بورة» و «بورة العدسه» به معنای نقطه احتراق در فیزیک، و «بورة القطع المخروطی» در ریاضیات، به معنای رأس هرم، و «بورة عدسة العين» به معنای «کانون نور که از عدسی گذشته» در پزشکی.

* «بدیل» به معنای دبلر در حوزه سینما و «بدیلة» برای مواد مصنوعی، مانند لاستیک صنعتی و الیاف مصنوعی، و «بدیلة» به مفهوم لوازم یدکی در اقتصاد و «تبدل» به معنای دگردیسی طبیعی و مصنوعی در حوزه زیست‌شناسی و پزشکی.

این معجم در سال ۱۹۰۸ م و چاپ پنجم آن با بازنگری، در سال ۱۹۲۷ م به انجام رسید. این معجم دارای ۱۰۰۰ تصویر و همراه با فرائد الأدب در آخر کتاب است. در چاپ ۱۹۵۶ م، پدر فردینان توتل بخشی جدید با عنوان المنجد فی الآداب و العلوم را به آن اضافه نمود. درباره نوآوری المنجد، دکتر عدنان خطیب می‌گوید: «این معجم تا امروز از لحاظ تنظیم و چاپ، بهترین معجم کلاسیک به شمار می‌آید؛ زیرا همسان معجم‌های حرفه‌ای اروپایی است» (المعجم العربی بین الماضي والحاضر: ۵۲).

عبدالله کنون مزایای المنجد را در اختصارگویی، تزیین با تصاویر و اشکال، تکیه بر روش آسان تنظیم کلمات - یعنی حرف اول و دوم آنها - ، همان روش فیومی در المصباح، خلاصه کرده است (نظرة فی منجد الآداب و العلوم: مقدمه).

دکتر حسین نصار درباره المنجد می‌گوید: «از بهترین معاجم از لحاظ تنظیم و شرح واژگان است» (المعجم العربی: ۲/۷۲۵).

گفتنی است که مقالات و کتاب‌هایی به نقد و ارزیابی المنجد پرداخته و خطاها و اشکالات آن را متعرض شده‌اند و لغزش‌هایی که در پیوست آن (المنجد فی الآداب و العلوم) توسط فردینان توتل راه یافته است را متذکر شده‌اند.^۶

۷. المعتمد فيما يحتاج إليه المتأدبون و المنشئون من

متن اللغة العربية: اثر جرجی شاهین عطیه، چاپ شده در سال ۱۹۲۷ م. این معجم در روش خود از المنجد تأثیر پذیرفته و تصاویری برای روشن‌سازی واژه‌ها اضافه نموده است. همچنین پراکنده‌های مربوط به مدخل‌های اصلی و فرعی را از هم متمایز کرده است؛ بدین صورت که پراکنده‌های اصلی، به شکل معروف آن و با مشکی پررنگ، و پراکنده‌های فرعی به شکل قرلاب آمده‌اند (حسین نصار: المعجم العربی ۲/۷۴۲).

۸. **البستان:** از عبدالله بستانی. این فرهنگ در سال ۱۹۳۰ در دو جلد بزرگ و به شیوه محیط محیط به چاپ رسیده است. پدر انستاس کرملی بر اساس این دو فرهنگ، معجم سومی را تهیه نمود (مجله المجمع العلمی العربی بدمشق، ۱۹۳۱)

۹. **فاکهة البستان:** فشرده فرهنگ البستان است که در یک

المعجم الوسيط

* «مدرعه» به مفهوم رزم ناو.

* «رسم» به مفهوم قدیمی یا همان اثر باقیمانده، «رسم» به مفهوم منطقی آن، «رسم» به مفهوم نقاشی، «رسم بیانی» به معنای عکس یا تصویر توضیحی، «رسم تقریبی» به معنای نقشه تقریبی، «رسمی» در مواردی چون «عمل رسمی»، «رجل رسمی» و «ورقه رسمیه» و «عقود رسمیه».

* «منظار»: آینه.

* «مهندس» و «هندسه» و «هندسه نظریه» و «هندسه تطبیقیه» و «هندسه علمیه».

* «هویه» در حوزه فلسفه.

این مثال‌ها جزو هزاران اصطلاحی است که فرهنگستان آنها را وضع نموده و المعجم الوسيط بخش زیادی از آنها را جمع آورده کرده است.^۷

ب. المعجم مصوبه قبلی مجمع در زمینه اشتقاق، حتی درباره اشتقاق وام‌واژه‌ها، را اجرا کرده است؛ مانند:

* اشتقاق فعل: «مغطس» و اسم فاعل: «مغطس» و اسم مفعول: «مغطس» و مصدر صناعی «مغناطیسیه» از لفظ مغناطیس. مغناطیس خودش وام‌واژه است و اشتقاق کلمات یادشده، از اسم «عین» است و مجمع، بدون قید و شرط آن را تجویز نموده است (فی اصول اللغة ۶۹/۱).

- فعل «بستر» مشتق از «بستور» به معنای پاستوریزه کردن.
- فعل «تَلْفَن» مشتق از کلمه فارسی «تلفن».
- فعل «کهرب» مشتق از «کهربا»، که وام‌واژه است.
- فعل «فَبْرَك» مشتق از «مفابریکه»، که معرب (وام‌واژه) است، به معنای همان «فابریک کردن» فارسی.

۲. مجمع، اطلاق قیاس الگوگیری بر واژه‌های قیاسی قبلی و واژه‌های جدید را مصوب نموده (الوسيط، مقدمه ج اول، ص ۱۲) و المعجم الوسيط نیز آن را رعایت کرده است. نمونه‌ها را بنگرید:
* تطبیق صیغه‌های اسم آلت و افزایش از ۳ صیغه به ۷ صیغه؛ یعنی علاوه بر صیغه‌های مِفْعَل و مِفعال، صیغه فِعال و فاعلة و فاعول و فعالة را هم اضافه نموده است؛ مثل اراث، ساقیه،

ساطور، سماعة و تلاجة (فی اصول اللغة: ۱۹/۱).

* مصوبه مجمع مبنی بر قیاس صیغه «فَعِيل» بر مفهوم مشارکت (همان: ۳۸/۱). در این زمینه، کلماتی در معجم آمده‌اند که قبلاً قیاس نشده بودند. در کنار کلماتی چون خصیم، ندیم و جلیس، کلماتی در قیاس با آنها، همچون شریب و زریع آمده است.

* مصوبه مجمع مبنی بر قیاس صیغه «فَعِيل» از مصدر فعل ثلاثی بر لازم و متعدی، و توسیع دایره کلمات پذیرفته‌شده از این صیغه‌ها؛ همچون «سکیر» (از لازم) و «شریب» (از متعدی) (همان: ۳۴/۱). المعجم نیز بر این مصوبه اصرار ورزیده است.

* مصوبه مجمع مبنی بر قیاس همزه، سین و تاء برای اخذ و تولید صیغه‌ها. در المعجم کلماتی بر صیغه «استفعل» به همان مفهوم آمده، ولی قیاسی نیستند؛ مثل «استهدف الشيء»؛ یعنی آن را هدف خود قرار داد (همان ۲۰۳/۱). همچنین مصوبه مجمع مبنی بر قیاس صیغه «استفعل» بر معنای طلب؛ مانند «استجمع قواه و استعرض قوته».

* مصوبه مجمع مبنی بر جواز الحاق تاء تأنیث به صیغه «فَعُول» در جایی که صفت در معنای فاعل بیاید، و جواز جمع کردن شیوه جمع سالم (همان ۷۴/۱). لذا این کلمات از حصار لحن بیرون آمده‌اند: حقوقه، غیوره، طموحة، حقودین، غیورین، طموحین، حقودات، غیورات، طموحات و ...

* مصوبه مجمع مبنی بر تأنیث صیغه «فَعْلان» به وسیله تاء؛ مثل غضبانة و عطشانة، و جمع آن به وسیله جمع سالم؛ مثل غضبانون و غضبانین و غضبانات و عطشانات.^۸

* مصوبه مجمع مبنی بر قیاس تضعیف (مضاعف کردن) فعل بر تکثیر و مبالغه. در المعجم کلمات بسیاری آمده که تضعیف آنها سماعی صورت گرفته است (همان ۲۲۴/۱).

* مصوبه مجمع مبنی بر تجویز کاربرد کلماتی که بر وزن صیغه «فَعَاله»، به مفهوم از بین رفتن شیء و مابقی و پراکنده‌های یک چیز می‌آید. در المعجم کلماتی آمده که همانندهای آنها در معجم‌ها قیاس شده است؛ مثل اکالة، حراشة، جزارة و خیاطة؛ به

المعجم الوسيط

المعجم الوسيط

ترتیب به معنی باقیمانده غذای خورده شده، چیز خراشیده شده، چیز خیاطی شده.

ترتیب به معنی باقیمانده غذای خورده شده، چیز خراشیده شده، چیز خیاطی شده. * از مصوبه های دیگر صیغه های قیاسی که در ماده المعجم و نوآوری آن مؤثر بوده است، قیاس تعدی فعل ثلاثی لازم به وسیله همزه، قیاس ساختن مصدر به وسیله اضافه نمودن یای مشدد و تاء، یا همان مصدر صناعی، قیاس ساختن مصدر از ثلاثی لازم مفتوح العین بر وزن «فعل» به مفهوم مرض و بر وزن «فعلان» به مفهوم آسفتگی و اضطراب، و بر وزن «فعاله» به مفهوم شغل، قیاس ساخت «مفعلة» از اسماء ثلاثی الاصل در جایی که اعیان - اعم از حیوان یا نبات یا جماد - زیادند؛ مانند مطبحة و ماسدة و همچنین مصوبه قیاس «نحت» و «مرکب مزجی» است (فی اصول اللغة: ۴۹/۱، ۵۲ و مقدمه المعجم الوسيط: ۱۴).

نظهور) نیز فرجه، مسرح، لجنه، مجله، جامعه، کلیه، عمید، معید، اقطاع، اللون الکحلی و البرسمی را می توان مثال زد.

در المعجم همچنین کلمات اجنبی بسیاری داخل شده است؛ مثل فونغراف، تلفزیون، کردینال، الکترون و تکنولوجیا. این کلمات با رمز ۵ مشخص شده اند. بسیاری از کلماتی که نویسندگان و روزنامه نگاران کنونی به کار برده اند، پس از تصویب فرهنگستان در المعجم آمده اند؛ از جمله: القمر الصناعی (ماهواره)، قصف المدافع (بمباران توپخانه ای)، الشجب و الادانه (نابودی)، الموسوعه، فحص الإنتاج العلمی، الإستشعار من بعید (سر دادن شعار از دور)، مضبطه المجلس (صورت جلسه)، الرقم القیاسی (شماره تقریبی)، ناطحة السحاب (آسمان خراش)، رتل (خوش تیپ)، عمود الإشاره (فلش راهنمایی)، قنبلة، حشاش (بنگی)، مدخن (سیگاری)، استقبال، اقصوصة (داستان کوتاه).

۳. پذیرش وام واژه ها و واژگان نوظهور توسط مجمع، بدون قید زمان احتجاج، و پذیرش واژگانی که عرب ها در عصر جدید استعمال می کنند. المعجم الوسيط نیز هزاران واژه و اسلوب از این دست را داراست.

۴. در نتیجه اتخاذ مقیاسی مناسب و آسان برای نویسندگان و گویندگان عربی، فرهنگستان واژگان و اصطلاحاتی که برخی از زبان شناسان آنها را لحن (کزواژه) قلمداد کرده و اجتناب از آنها را لازم شمرده اند، تصویب نمود و لذا المعجم نیز این واژگان را در خود جای داد؛ از جمله:

* «تقییم» در کنار «تقویم» به معنای ارزش گذاری (فی اصول اللغة: ۲۲۸/۱).

* «وحدوی» در کنار «وحدی»، که دومی افسح است (همان: ۹۷/۳).

* «رئسی» در کنار «رئیس»، به معنای اصلی در مقابل فرعی (الألفاظ و الاسالیب: ۱۶).

* «تبریر» در کنار «توسع» به معنای ترکیه عمل و بیان دلایل عمل (فی اصول اللغة: ۲۲۴/۱).

* «متحف» در کنار «متحف» به معنای موزه (همان: ۲۲۲/۱).

* «متنزه» در کنار «متنزه» (الألفاظ: ۱۷۵).

* «منطقه» در کنار «منطقه» (فی اصول اللغة: ۲۰۴/۱).

* «وقائع» در کنار «الوقائع فی الحرب»، به معنای حوادث و دگرگونی ها (الألفاظ: ۱۶۲).

ما براساس چاپ سوم المعجم (۱۹۸۵م)، کلمات دخیل (با رمز ۵) و کلمات مولد (با رمز ۶) و کلمات محدث (محدثه) و نیز واژه ها و مصطلحات علمی (با رمز ۴) که در آن آمده است را بر شمردیم و تعداد آنها به این شرح بالغ گردید:

دخیل: ۲۳۷

مولد: ۵۳۵

محدث: ۶۵۱

واژه های مصوب فرهنگستان: ۱۲۸۳

جمع واژه ها: ۲۷۰۶

این تعداد معادل ۹٪ از کل لغات معجم (۳۰/۰۰۰) است. در این شمارش، وام واژه های زمان احتجاج (که با رمز ۴ مشخص شده) به حساب نیامده است؛ زیرا در معجم قدیمی وارد شده اند. از نمونه های وام واژه ها، قنصل، بترول، یوبیل، فولکلور، شای، سکر، سندوتش و کیلومتر را می توان نام برد. از واژه های مولد

المعجم الوسيط

المعجم الوسيط

- * الكفاء، جمع «كُفء»، یعنی قادر به انجام کار، در کنار «كفاء» و «أكفاء»، جمع «كفیء». فرهنگستان همچنین کاربرد «كفاء» در کنار «كافی» و «كفاءة» در کنار «كفایه» را جایز دانسته است (همان: ۲۱۹).
- * فُشِل، به معنای عدم تحقق هدف (مجمع اللغة العربية فی خمسين عاماً: ۹۶).
- * انجیة والدة، به تعدی انجب، در کنار «نجیة» (همان: ۹۹).
- * هُروب، مصدر هَرَب، در کنار «هَرَب» (الالفاظ: ۳۴).
- * صُمود، به معنای ثبات (همان: ۳۵).
- * ابحات، جمع «بَحَث» در کنار «بَحوث»، و بؤساء، جمع «بائس» و زهور، جمع «زهر» (فی اصول اللغة ۷۲/۲؛ مجمع اللغة العربية فی خمسين عاماً: ۹۷).
- * صَوَّب الخَطأ، یعنی اصلاحش کرد و معنای معروف: عدّة صواباً است (مجمع اللغة العربية فی خمسين عاماً: ۱۰۵).
- * تصویب کاربرد «اجتمع معه و التقى به» (فی اصول اللغة: ۱۹۲/۲).
- * از مصوّبات دیگر فرهنگستان که در المعجم الوسيط تا چاپ سوم آن (در سال ۱۹۸۵) وارد نگردیده است، به این موارد می‌توان اشاره نمود:
- * تَغْطِیْه، به معنای استیعاب؛ یعنی پوشش دادن؛ مانند «تَغْطِیْة الندوة اعلامياً» (مجمع اللغة العربية فی خمسين عاماً: ۱۰۷)؛ یعنی: پوشش تبلیغاتی مجمع.
- * لا یفیه حَقّه (همان: ۱۰۲).
- * انضباط، مصدر انضبط؛ به مفهوم «مطاوعه ضبط» (همان: ۱۰۵).
- * تجویز منسوب ساختن «تربیة»، «تنمیة» و «تعبئة» به صورت: «تربوی»، «تنموی» و «تعبوی» (الالفاظ و الاسالیب: ۲۲۶).
- * ملیء، به معنای مملوء (همان: ۱۷۲).
- * «رغم كذا» و «رغمًا عن كذا» (همان: ۴۵) در کنار علی رغمه، علی الرغم منه، بالرغم منه، علی رغم منه، بالرغم منه،

- علی رغم أنفه که در المعجم آمده است.
- * تجویز «حدث اثناء كذا» (همان: ۴۷)، که زبان‌شناسان جدید آن را خطا دانسته‌اند.
- * «العید الخمسینی»، منسوب به خمسين، و «العشرینیات» به جمع منسوب از ملحق به جمع مذكر سالم (الالفاظ و الاسالیب: ۷۹ و ۸۴).
- * «هب انی فعلت». در المعجم الوسيط آمده است: هبنی فعلت اى أحسبنی و أعددنی (همان: ۵۰).
- * تأرجح، به معنای دودل بودن و مردّد بودن (همان: ۵۱). در المعجم «ترجح» و «ارتجاج» آمده است.
- * «عاش الاحداث»، به تعدی فعل «عاش» (همان: ۸۵)؛ حال آنکه تعدی این فعل با حرف جرّ شایع است.
- * قبل بالأمر (همان: ۱۲۹)، در المعجم «قبل العمل رضیه و قبل الشيء قبولاً أخذه عن طیب خاطر» آمده است.
- * «عبر البحار»، «عبر التاريخ»، بر این پایه که «عبر» ظرفی باشد که مصدر جایگزین آن شده باشد (همان: ۲۰۴).
- * سداد الدین اى قضاؤه (پرداخت قرض) (همان: ۲۲۲). در المعجم «سداد» به این معنا نیامده است.
- * جواز الحاقی کاف در مثل: محمد کعالم خیر منه کأدیب.
- * مجمع، منسوب ساختن «فعلیه»، «فَعْلِیْه»، «فَعْلِی» و «فَعْلِی» را به باقی ماندن یاء و یا حذف آن جایز شمرده (فی اصول اللغة: ۸۵/۲) و در المعجم این موضوع نیامده است.
- * تجویز آوردن «نوایا»، جمع «نیه» بدون قیاس (مجمع اللغة العربية فی خمسين عاماً: ۱۰۱).
۵. المعجم الوسيط از قاموس‌های عصری و پیشرفته از لحاظ نگارش، آرایش واژگان و تولید به شمار می‌رود. نوآوری این معجم، در ترتیب دقیق لغات و عبارات آن، شرح آسان و مانوس الفاظ، شرح واضح و دقیق واژگان، ترتیب علمی و محکم مدخل‌ها و کلمات ذیل آنها، چاپ تصاویر و اشکال توضیحی، علایم اختصاری و دقت در تصحیح و چاپ زیبا و آوردن هر باب (مدخل) در اول صفحات آن است (این مورد آخر در چاپ

المعجم الوسيط

المعجم الوسيط

دوم: آرایش بی‌نقص کلمات در ذیل مداخل المعجم بر این منوال است:

۱. مقدم شدن فعل‌ها بر اسم‌ها.
 ۲. مقدم شدن افعال مجرد بر مزید.
 ۳. مقدم شدن معنای حسی بر معنای عقلی، و معنای حقیقی بر مجازی.
 ۴. مقدم شدن لازم بر متعدی.
 ۵. ترتیب افعال ثلاثی مجرد بر اساس باب‌های ماضی با مضارع است: باب نصر، باب ضرب، باب فتح، باب علم، باب کرم، باب حسب. همچنین فعل‌های معلوم بر مجهول مقدم شده و ترتیب فعل ثلاثی مزید بر اساس هجاست: افعّل، فاعل، افتعل، انفعّل، تفاعل، تفعّل، افعّل. ترتیب فعل رباعی مزید (به یک حرف) نیز پس از ثلاثی مزید است: تفعّل.
- از نوآوری‌های المعجم در چینش فعل رباعی مضاعف، آن است که این فعل، بر خلاف معاجم قدیمی، از ماده ثلاثی جدا شده است؛ مثلاً «زلزل» در ترتیب حرفی آمده و نه در «زل»؛ چنان که «زل» در «زلزل» آمده است. اما ملحق رباعی، مانند «کوثر»، در دو جا آمده است: یکی در ذیل «کثر» و دیگر در ترتیب الفبایی «کوثر».

این درباره افعال؛ اما اسم‌ها به ترتیب الفبایی آمده‌اند. این شیوه آرایش کلمات در داخل مدخل‌ها، قبل از نگارش المعجم، توسط نوآرانی چون بطرس بستانی و سعید شرتونی و عبدالله بستانی به کار رفته است (ر.ک: حسین نصار، المعجم العربی: ج ۷۱/۲ - ۷۳۰).

نشانه‌های سنت‌گرایی در المعجم

- * پایه این معجم، لغت است و اساس شرح و تفسیر واژگان، زبان فصیح عربی و رعایت‌گزینش واژه‌های آسان و مأنوس.
- * معجم شیوه ریشه‌ای (اشتقاقی) را اساس کار قرار داده و به ترتیب الفبایی مطلق نگرویده است.
- * هر لغتی پس از بحث و کنکاش توسط کمیته‌ای متخصص وارد معجم شده است. این کمیته معمولاً متشکل از اعضای فرهنگستان بوده که چندین کارشناس و متخصص به آنها کمک می‌کرده‌اند.

سوم ۱۹۸۵م رعایت شده است). در اینجا به توضیح دو مطلب می‌پردازیم:

اول: ترتیب آرایش واژگان در المعجم بر اساس حرف اصلی اول و سپس دوم و سوم هر واژه، به جز وام‌واژه‌ها، که ترتیب هجایی دارند، می‌باشد؛ اما کسی بر این نیست که این ترتیب، جدید است؛ مثلاً ابوعمر و شیبانی (ف. ۲۱۳ ه. ق) در کتاب *الحجیم*^{۱۱} بر المعجم تقدم دارد؛ گرچه او به حرف اول کلمات آغازین باب‌ها اکتفا نموده و کلمات داخل باب‌ها را بدون ترتیب آورده است.^{۱۲} زمخشری (م ۵۳۸) نیز *اساس البلاغة* خود را بر اساس حرف اول کلمات تنظیم نموده است. همچنین ابن‌جوزی (ف. ۵۹۷ ه. ق) در *تقویم اللسان*، در قسمت لحن عامه، ترتیبی را رعایت نموده است که در آن، صرفاً به ریشه واژگان بسنده ننموده و حروف اصلی و اضافی کلمه را ملاک قرار داده است؛ برای نمونه، واژه «استهتر» نه در ذیل «هتر»، بلکه در باب «الف» باید جست‌وجو شود. اما کلمات در داخل باب‌ها (مداخل)، به مانند روش معجمی مرتب نشده‌اند.^{۱۳} فیومی (ف. ۷۷۰ ه. ق) نیز در *المصباح المنیر* ترتیب حرف اول ریشه را رعایت کرده است. اصحاب *قوامیس* جدید و نیز مدعیان نوآوری، با به‌کارگیری همین شیوه، نسبت به المعجم تقدم داشته‌اند.

اما با وجود سابقه این روش قبل از المعجم الوسيط، نباید ویژگی نوآوری را از این معجم سلب نماییم؛ هرچند که این نوآوری به آن حد نرسیده است که به مانند معجم‌های افراطی، همچون *المنجد الابدی*، *الرائد*، *لاروس* و *القاموس الجدید*، ترتیب الفبایی را به کار گیرد و روش ریشه‌ای را رعایت ننماید.

این معجم‌ها را افراطی می‌خوانیم؛ زیرا از مهم‌ترین ویژگی زبان عربی، که همان اشتقاقی (ریشه‌ای) بودن است، غافل شده‌اند.

دیگر آنکه در صورت شیوع روش الفبایی، ارتباط نوآموزان با معاجم قدیم عربی گسسته خواهد شد و روش ریشه‌ای امکان فهم ارتباطات میان کلمات هم‌خانواده (از یک اصل) را برای دانشجو میسر می‌سازد (ر.ک المعجم الوسيط، مقدمه چاپ دوم؛ المعجم العربی بین الماضی و الحاضر: ۵۹؛ وقائع ندوة اسهام التونسيين فی اثراء المعجم العربی: ۲۲۳).

المعجم الوسيط

المعجم الوسيط

۴. این کتاب را کورکیس عواد و عبدالحمید علوجی تصحیح و منتشر کرده‌اند. نیز بنگرید به: ملاحظات دکتر ابراهیم سامرایی بر معجم (المساعد) در کتابش، مع المصادر فی اللغة و الأدب: ۱/ ۲۶۵ و ۱۳۵/۲.

۵. Reinhart DOZUY : Supplementaux Dictionnaires Arabes

۶. از جمله ناقدان المنجد و بیوست آن، ابراهیم قطان، منیر عمادی، عبدالله کنون و سعید افغانی می‌باشند.

۷. این معجم تا کنون المعجم الجبولوجی، معجم الفیزیکا النوریة و الإلکترونیة و المعجم الجغرافی و المعجم الفلسفی و معجم الألفاظ الحضارة الحدیثه را انتشار داده است و این معجم را در دست چاپ دارد: المعجم الفیزیکی، معجم الکیمیاء و الصیدلہ، معجم علوم الاحیاء و الزراعة و بخش اول المعجم الطبی.

۸. این مصوبه بر اساس لهجه بنی‌اسد مقرر شده است (نک: معجم: فی اصول اللغة ۸۰/۱).

۹. لجنة المعجم الوسيط دربارهٔ معرب و مولد و دخیل و محدث چنین گفته است: معرب واژه‌های است خارجی که عرب آن را با کم و زیاد کردن و در هم ریختن تغییر می‌دهد. مولد، آن لفظی است که مردم در قدیم پس از زمان روایت لغت، آن را به کار می‌برده‌اند. دخیل واژه‌ای است اجنبی که بدون تغییر وارد عربی شده است؛ مانند اکسیجن. محدث نیز واژه‌ای است که در عصر جدید آن را به کار می‌برند و در زبان عامه متداول گشته است (مقدمه المعجم: ۱۶)

۱۰. دکتر احمد زکی در مجلهٔ العربی آن را «تلفاز» معرب کرده است. در تونس «تلفرة» به کار می‌برند و «متلفز» نیز از آن گرفته شده است.

۱۱. این کتاب را معجم اللغة العربیة در قالب ۴ جلد، که جلد چهارم آن فهرست است، به چاپ رسانیده است (۱۹۷۴-۱۹۸۳).

۱۲. به عنوان مثال، کلمات ذیل که با لام آغاز شده، چنین مرتب شده‌اند: اللقیط - لحم ظبی - الاق - لماسه - ملهد - لکی - کح - لحيجاء - لوع - لفأت - الابل - لبد - لجن - لکت - التحی.

۱۳. مثلاً در باب الف، واژگان این گونه مرتب شده‌اند: استهتر - أهل اعرابی - اسکف - اشتکی عینه - أولج - اشلت الشیء - أعلمت - اضح القوم - أکلت ... این کلمات جزء واژه‌های درست و نه کژوازه به حساب آمده‌اند.

کار این کمیته به شورای فرهنگستان و سپس کنفرانس مجمع ارائه می‌شده است و اعضای مجمع غالباً بر درستی و صحت لغات در تمامی مصوبات خود تأکید و اصرار می‌ورزیده‌اند. در المعجم الجغرافی و المعجم الفلسفی نیز به رعایت اصطلاحات قدیمی عربی تأکید شده است؛ آلا اینکه الفاظ، بیانگر معنای جدید و علمی مورد نظر نبوده یا استعمال جدید بر آنها غلبه کرده باشد (ر.ک: شوقی ضیف، معجم اللغة العربیة فی خمسين عاماً: ۱۶۵-۱۶۶).

* اشتقاق از وام‌واژه‌های جامد، صرفاً برای نیاز علمی صورت گرفته است. به طوری که فرهنگستان ۷ کلمه از این نوع را تجویز کرده است (فی اصول اللغة: ۲۵۱/۱). اما اشتقاق از واژهٔ جامد عربی تأیید شده است.

* انجمن علمی مجمع، الفاظ مولد و محدث و وام‌واژه‌ها و دخیل‌ها را صرفاً با قید «ضرورت» پذیرفته است (المعجم الوسيط، مقدمهٔ چاپ اول: ۱۳).

* مؤلفان معجم به آیات قرآن و احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی و اصطلاحات بلاغی برجای مانده از نویسندگان و شاعران فصیح استناد کرده‌اند (همان: ۱۳).

* تألیف این معجم توسط گروهی زبان‌شناس سنتی و مدرن، دلیلی بر وجود سنت‌گرایی در مجمع و المعجم به شمار می‌آید.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از «المعجم الوسيط بين المحافظة والتجديد للدكتور عبدالعزيز مطر»، مجلهٔ معجم اللغة العربیة بالقاهرة، العدد ۶۹، ربيع‌الآخر ۱۴۱۲/نوفبر ۱۹۹۱م.

۲. این قبایل شامل قیس، تمیم، اسد، هذیل، بخشی از کنانه و طائیون است. ر.ک: المزهر للسیوطی، ۱/۱۰۴؛ لحن العامة فی ضوء الدراسات اللغویة الحدیثه، از نگارنده، فصل «المقیاس الصابی».

۳. احمد فارس شدیاقی از خلال معجم عربی قائل به تقدیم مجاز بر حقیقت شده است (نک: الجاسوس: ۱۱)؛ اما فرهنگ اساس البلاغة حقیقت را بر مجاز مقدم داشته است.

المعجم الوسيط